

## تحليل جرم شناختى بزه ديدگى بيگانگان

دکتر حسين غلامى ✉

دانشيار دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبايى

محسن بيات

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسى، دانشگاه مفيد

### چکيده:

موضوع «بيگانگان» به عنوان يک اقليت مهم که جمعيت قابل توجهى را ذيل مصاديق مختلف مانند مهاجر، پناهنده، گردشگر، مأموران سياسى و غيره شامل مى شود، در مطالعات جرم شناسى به صورت جزئى مورد مطالعه قرار گرفته است. اما بزه ديدگى ايشان به نحوى که در بر گيرنده تمامى مصاديق آن شود، بررسى نشده است. بيگانگان به دليل «عوامل و شرايط آسيب پذيرانه اجتماعى» درخور توجه خاص مى باشند تا بزه ديدگى آنان و شرايط و عوامل بزه ديدگى زاي شان مورد مطالعه قرار گيرد. همچنين علاوه بر «عوامل و شرايط آسيب پذيرانه اجتماعى»، «عوامل و شرايط آسيب پذيرانه شخصى» نيز در خصوص برخى از گروه هاى بيگانه قابل توجه است. «زنان بيگانه»، «کودکان بيگانه»، «سالمندان بيگانه» و «ناتوانان بيگانه» که از آنان تحت عنوان «آسيب پذيران مضاعف» ياد مى کنيم، گروه هاى هستند که به دليل دارا بودن هر دو وجه آسيب پذيرى، بيشتر در معرض بزه ديدگى قرار دارند.

**کلید واژه ها:** کرامت انساني، بزه ديدگى، بيگانگان، مهاجرت، آسيب پذيرى.

یکی از موضوعات بسیار مهم در قلمرو حقوق، فلسفه، اخلاق و عرفان «کرامت انسانی»<sup>۱</sup> است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که پایه و اساس بسیاری از حقوق و امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود و همانگونه که در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی (خصوصاً منشور بین‌المللی حقوق بشر) به آن اشاره شده است، امروزه کرامت انسانی نه صرفاً به عنوان یک حق و یا مجموعه‌ای از حقوق غیرقابل سلب و انتقال، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود و پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای مستلزم رعایت آن است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۷). هر چند تعاریفی که از کرامت انسانی، بر اساس پشتوانه‌های فلسفی، اخلاقی، مذهبی و ... می‌شود متفاوت است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۲-۲۸)، اما مؤلفه‌های مشترکی چون عدالت، آزادی، برابری و اصل غایت بودن انسان، نقطه مشترک این تعاریف است.

کنش‌های مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه، که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد و یا اعمال ضد اجتماعی که عنوان جرم را به خود نمی‌گیرند (نوربها، ۱۳۸۸: ۴۰ و ۴۱)، از عوامل به خطر افتادن کرامت انسانی می‌باشند. زیرا جرم و یا انحرافات اجتماعی، مؤلفه‌های کرامت انسانی را در پس فعل یا ترک فعل ظاهری، مورد آماج قرار می‌دهند. همان‌طور که جرم و مصادیق آن، به فرهنگ، نظام سیاسی، نظام اقتصادی و شرایط جغرافیایی و اقلیمی یک کشور بستگی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵ و ۶)، بزه‌دیدگی نیز تحت تأثیر این ویژگی‌ها، شرایط گوناگونی پیدا می‌کند. این ویژگی‌ها می‌تواند جریان بزه‌دیدگی شخص را آسان یا دشوار نماید.

علاوه بر ویژگی‌های عینی فوق، ویژگی‌های شخصی نیز در بزه‌دیده گشتن<sup>۲</sup> افراد نقش دارد. بزه‌دیدگی برخاسته از سن و جنسیت، از جمله این ویژگی‌هاست که اصطلاحاً تحت عنوان «گونه‌های خاص بزه‌دیده» یا «بزه‌دیدگان خاص»<sup>۳</sup> شناخته می‌شوند. لذا با توجه به دشواری‌هایی که بزه‌دیدگان از جهت آثار بزه‌دیدگی یا دسترسی به عدالت با آن روبرو هستند، حمایت ویژه از گونه‌های خاصی از بزه‌دیدگان (مانند زنان، کودکان، سالمندان، بازماندگان قتل و مانند آن) ضروری است (رایجیان اصلی، حمایتی، ۱۳۹۰: ۲۲).

1. Human Dignity.
2. Victimization.
3. Particular/ special categories/ groups of victim.

یکی از گونه‌های بزه‌دیدگی که گاه توأمان به واسطهٔ ویژگی‌های عینی و ویژگی‌های شخصی بزه‌دیده واقع می‌شود، بزه‌دیدهٔ بیگانه است. شخصی که به واسطهٔ تبعهٔ بیگانه بودن و یا بی‌تابعیتی<sup>۱</sup>، تحت تأثیر عوامل بزه‌دیده‌زا قرار گرفته و قربانی بزه می‌شود. اصطلاح بزه‌دیدهٔ بیگانه از دو مفهوم مستقل تقسیم می‌شود؛ نخست اصطلاح بزه‌دیده است که مفهوم مورد نظر «شخص قربانی جرم» می‌باشد و به این واسطه قربانیان سایر حوادث از مطالعه خارج می‌گردند. دوم اصطلاح بیگانه است که در اصطلاح حقوقی، معادل معنای لغوی خود یعنی خارجی و اجنبی بکار رفته و در ترمینولوژی حقوق با ارجاع این واژه به واژهٔ اجنبی، در تعریف آن اینگونه آمده است: «کسی که فاقد تابعیت کشور معینی است، نسبت به دولت آن کشور و افراد آن، اجنبی (یا بیگانه) محسوب می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۴ و ۱۲۲). تابعیت مهمترین عنصر در تعیین یک شخص به عنوان بیگانه است و رابطه نزدیکی بین نهاد حقوقی تابعیت و مفهوم بیگانه وجود دارد (قاسمی شوب، ۱۳۸۳: ۱۲۱). لذا کسی را که دارای تابعیت کشور معینی است، تبعه می‌نامند و چنانچه شخصی تابعیت هیچ دولتی را نداشته باشد، «بدون تابعیت» محسوب می‌شود (نصیری، ۱۳۹۱: ۲۶ و ۲۷). با این توضیح، مراد از بیگانه، اشخاصی غیر از اتباع داخلی کشور است که شامل اشخاص بدون تابعیت نیز می‌گردد.

از آنجا که بزه‌دیدگی بیگانگان، تاکنون به عنوان موضوعی مستقل و با تقسیم‌بندی مقتبس از حقوق بین‌الملل خصوصی که در چارچوبی مشخص و جامع تمامی مصادیق بیگانه (اعم از مهاجر، پناهنده، گردشگر، مأمور رسمی و غیره) باشد مورد مطالعه قرار نگرفته و تنها برخی از مصادیق بیگانه مانند مهاجران<sup>۲</sup> و گردشگران<sup>۳</sup> مستقلاً مطالعه شده‌اند، برای این پژوهش نیاز به یک تقسیم بندی جامع داریم.

در خصوص بیگانگان تقسیم‌بندی‌های مختلفی در حقوق بین‌الملل خصوصی صورت گرفته است که گاه با تمرکز بر عامل تابعیت و گاه با تمرکز بر عامل اقامتگاه می‌باشند. یکی از این دو عامل در کشورها به عنوان عامل تعیین کنندهٔ قانون حاکم بر احوال شخصیه شناخته می‌شود. در کشورهایی که عامل تابعیت به عنوان معیار آن برگزیده شده، اگر شخصی بدون تابعیت باشد یا عامل تابعیت او به جهتی مانند پناهندگی ناتوان از ایفای این

#### 1. Apatride.

۲. به عنوان مثال، در مورد بزه‌کاری مهاجران، وفور پژوهش‌های آماری و جامعه‌شناختی در اروپا و آمریکا، به ویژه در دورهٔ ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، به چشم می‌خورد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیک، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

۳. به عنوان مثال، بزه‌کاری گردشگران (Tourists criminality)، که به عنوان بخشی از بیگانگان و به‌طور خاص مورد تحقیق قرار گرفته است (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱).

نقش گردد، عامل اقامتگاه او عهده دار آن می‌شود (سلجوقی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که بر اساس عامل تابعیت صورت گرفته است، تقسیم اشخاص از حیث شخصیت، مناسبات با دولت متبوع و برخورداری از مزایا و مصونیت‌های ویژه می‌باشد (قاسمی‌شوب، ۱۳۸۳: ۱۲۶ و ۱۲۷). در تقسیم‌بندی دیگری که بر اساس عامل اقامتگاه صورت گرفته است، اشخاص به واسطهٔ مقیم یا غیر مقیم بودن تقسیم شده‌اند (برادران، ۱۳۸۰: ۲۸ الی ۳۵). در یک تقسیم‌بندی مختصر نیز، بیگانگان به سه گروه بدون تابعیت‌ها، بیگانگان دارای تابعیت مضاعف و پناهندگان تقسیم‌بندی شده‌اند (نوری، ۷۵ - ۱۳۷۶: ۴۴-۴۱).

تقسیم‌بندی بر اساس عامل اقامتگاه به دلیل دارا بودن ظرفیت فراگیر برای تمام اقسام بیگانه اعم از مهاجر، پناهنده، گردشگر، بدون تابعیت و غیره، مطلوب‌ترین تقسیم‌بندی برای این مطالعه است. لذا در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گیرد، تقسیم‌بندی فوق به عنوان معیاری برای تفکیک اقسام بیگانه مدنظر قرار گرفته و نظریه‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی مربوط به بیگانگان و عوامل شخصی و ساختاری مؤثر بر بزه‌دیدگی آنان، در ذیل این تقسیم‌بندی مطالعه می‌شود. بدین منظور در قسمت (۱) به مطالعه جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی بیگانگان مقیم که شامل مهاجران، پناهندگان و آوارگان، مأموران سیاسی و کنسولی بیگانه و دیپلمات‌ها و اشخاص بدون تابعیت می‌شود پرداخته و در قسمت (۲)، مطالعه جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی بیگانگان غیرمقیم که عبارتند از گردشگران و سایر بیگانگانی که به طور موقت در کشور دیگر حضور دارند، انجام می‌شود.

#### ۱. مطالعه جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی بزه‌دیدگی بیگانگان مقیم

طبق مطالعات انجام شده بیگانگان مقیم به چهار گروه مهاجران، پناهندگان و آوارگان، مأموران سیاسی و کنسولی و دیپلمات‌ها، و اشخاص بدون تابعیت (آپاتریدها) تقسیم می‌شوند. شرایط و عوامل بزه‌دیده‌زا برای هر یکی از این گروه‌ها بسته به نوع بیگانه بودن متفاوت است.

##### ۱.۱. بزه‌دیدگی مهاجران بیگانه مقیم

مهاجرت<sup>۱</sup> به منزلهٔ بخشی از فرایند ادغام جهانی، در حال شتاب گرفتن است و بر همین اساس برخی از دانش‌پژوهان، سدهٔ بیست و یک را «عصر مهاجرت» نامیده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶:

1. Migration.

۳۷۶ و ۳۷۷). انسانها اساساً برای یافتن فرصت‌های زندگی بهتر و سازنده‌تر، مهاجرت می‌کنند. مهاجرت به دو نوع داخلی (مهاجرت در مرزهای یک کشور) و بین‌المللی (حرکت از یک کشور به کشور دیگر) تقسیم می‌شود. هر دو نوع مهاجرت، در ابعاد گسترده، ترکیب سنی و جمعیتی را در جوامع مهاجرپذیر به شدت دگرگون می‌کند و مسائل اجتماعی و اقتصادی گوناگونی را به بار می‌آورد. برای مثال، افزایش کارگران مهاجر<sup>۱</sup> در بازار کار، کارگران بومی<sup>۲</sup> را با کمبود کار مواجه ساخته و همین موضوع باعث پیدایش اصطکاک و خشونت بین کارگران بومی با کارگران مهاجر می‌شود (کوئن، ۱۳۸۴: ۲۳۴) که این موضوع یکی از علت‌های بزه‌دیدگی کارگران مهاجر بیگانه است.

یکی از مسائلی که زمینه ساز بزه‌دیدگی مهاجران در کشور بیگانه می‌شود، بحث نابرابری است. بی‌تردید فرایند «بازاجتماعی شدن»<sup>۳</sup> و «هماندگردی»<sup>۴</sup> مهاجر با اجتماع میزبان، با مشکلات کوچک و بزرگ و گاه بحرانی روبرو می‌شود. چگونگی طی این مرحله متأثر از شرایط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور میزبان است. در طی این مرحله است که شخص بیگانه با نابرابری روبرو می‌شود (ارشاد و صدف، ۱۳۸۹: ۸۱).

در سال‌های متمادی، مطالعات جرم‌شناسی درباره مهاجرت و مسائل مختلف مهاجران، با تمرکز بر روی جرم و مجرم صورت گرفته است. به عنوان نمونه، می‌توان به تحقیقات مکتب شیکاگو<sup>۵</sup> بین سال‌های ۴۰-۱۹۱۵ میلادی اشاره کرد که با توجه به موج بزه‌کاری و مهاجرت در شهر شیکاگو، انجام شد.

#### ۱.۱. بزه‌دیدگی مهاجران بیگانه در مطالعات مکتب شیکاگو

از جمله تحقیقات صورت گرفته در مکتب شیکاگو تحقیق توماس و زنانیکی و تحقیق پارک و برگس است که به مطالعه بزه‌کاری مهاجران پرداخته‌اند. در این قسمت با اعتقاد به نسبی بودن عوامل و شرایط بزه‌کاری با عوامل و شرایط بزه‌دیدگی، عوامل کلی تأثیرگذار در بزه‌کاری مهاجران را استخراج کرده و با تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته از سوی بزه‌دیده‌شناسان تطبیق می‌دهیم. بدین صورت می‌توان فرضیه نسبی بودن عوامل و شرایط بزه‌کار با بزه‌دیدگی را اثبات کرد.

1. Migrant workers.
2. Indigenous workers.
3. resocialization.
4. assimilation.
5. Chicago school.

توماس<sup>۱</sup> و زنانیکی<sup>۲</sup> در کتاب «روستایی لهستانی» به بررسی مهاجران لهستانی که بین سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ به آمریکا آمده بودند پرداخته و دو مفهوم را مطرح کردند؛ اولین مفهوم، طرز تفکر، نگرش و برخورد است که نشانگر استعداد های شخصی و ذهنی بوده و در تبیین جرم باید مورد توجه قرار گیرد. دومین مفهوم، فروپاشی و از هم گسیختگی سازمان و تشکیلات اجتماعی است که حاصل پیدایش طرز فکرهای فردگرا و لذت طلب در مهاجران لهستانی بود. این طرز تفکر و رویه ها موجب شده بود که همبستگی خانوادگی در میان آنها از بین رفته و شکاف و تعارض بین نسلی بین نسل اول مهاجران و نسل دوم مهاجران لهستانی به وجود آید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۴۰ و ۴۱).

مفاهیم بدست آمده از تحقیق توماس و زنانیکی راه، به گونه ای دیگر نیز می توان بیان کرد. بدین ترتیب که اولین مفهوم آنها، در تمام مهاجران مشترک است و آنها در کشور میزبان آداب و رسوم و سبک زندگی خود را حفظ می کنند. در عین حال ممکن است برخی از رفتارهای مهاجران به دلیل تمایزهای فرهنگی، مخالف فرهنگ کشور میزبان بوده و باعث تحریک افراد بومی نسبت به آنان شود. دومین مفهوم آنها نیز همانگونه که می تواند زمینه بزه کار شدن فرد را فراهم کند، می تواند زمینه بزه دیده شدن فرد شود. مثلاً دختری که به دلیل خلأ عاطفی با خانواده، بزه دیده تجاوز در جامعه می شود؛ یا مهاجرانی که در کلوپ های شبانه مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و یا با جذب در گروه ها و باندهای جرم، به یک بزه کار - بزه دیده تبدیل می شوند.

بزه دیدگی مهاجران بیگانه، آثار سخت تری را نسبت به بزه دیدگی بومیان در پی دارد. زیرا مهاجران بیگانه علاوه بر مشکلات فوق الذکر که می تواند باعث بزه دیدگی دومین آنها نیز گردد، ممکن است از حمایت سازمان های مرتبط، گروه های مردم نهاد، بیمه های درمانی و ... نیز بی بهره بمانند.

تحقیق پارک<sup>۳</sup> و برگس<sup>۴</sup> راجع به بی نظمی اجتماعی در شهر شیکاگو انجام شد. آنها بی نظمی اجتماعی را مولود صنعتی شدن جامعه و تغییر اشکال کنترل جرم می دانستند. اشکال کنترل جرم به دو طریق سنتی (اقناع آور) و رسمی (آلترناتیو) می باشد. پارک معتقد بود که از هم گسیختگی اجتماعی ناشی از تضعیف شکل کنترل سنتی جرم است که به واسطه مهاجرت تضعیف شده است. زیرا مهاجران از هنجارهای گروهی اولیه رهایی یافته و به جای

1. Thomas.
2. Znaniecki.
3. Robert park.
4. Ernest Burgues.

الزامات گروهی و خانوادگی، با شیوه‌های صرفاً قهرآمیز کنترل جرم مواجه‌اند که این شیوه‌ها هم دیگر مثل قبل تأثیرگذار نیستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۴۲ و ۴۳).

سمپسون<sup>۱</sup> و گراوز<sup>۲</sup>، چهار عامل که باعث نابسامانی اجتماعی و در نتیجه ارتکاب جرم می‌شود را ذکر می‌کنند که در منطقه جرم‌خیز شیکاگو نمود داشت: ۱. موقعیت اقتصادی پائین؛ ۲. ترکیب و مخلوطی از گروه‌های قومی مختلف بویژه مهاجران؛ ۳. جابجایی فراوان مهاجران تازه وارد با مهاجرانی که با بهبود شرایط اقتصادی، این لایه را ترک می‌کردند؛ ۴. خانواده‌های از هم پاشیده و منازل از میان رفته (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۷۵). با ریشه‌یابی عواملی که سمپسون و گراوز برشمرده‌اند، به این سه عامل می‌رسیم: ۱. مهاجرت؛ ۲. اقتصاد و فقر؛ ۳. مشکلات فرهنگی (ناشی از بی‌هنجاری، خلای ناشی از عدم حمایت خانواده، گسست بین نسلی بین نسل اول و دوم مهاجران).

عواملی که در تحقیق پارک و برگس و تقسیم‌بندی سمپسون و گراوز مشاهده می‌کنیم، به‌اندازه‌ای که می‌توانند به عنوان دلایل بزه‌کاری مهاجران مؤثر باشند، به همان‌اندازه می‌توانند در بزه‌دیدگی آنان مؤثر باشند. مخصوصاً درباره مهاجران که انگیزه اشتغال و کسب درآمد از اصلی‌ترین دلایل مهاجرت بوده و هنگامی که فرد با هدف اشتغال به کشور دیگر مهاجرت می‌کند، عوامل زمینه‌ای مانند اقتصاد و فقر در ارتباط مستقیم با بزه‌دیدگی او قرار می‌گیرند.

### ۱.۱.۲. بزه‌دیدگی مهاجران بیگانه و «نظریه‌های خرده فرهنگی»<sup>۳</sup>

نظریه خرده فرهنگی بزه‌کاری کوهن<sup>۴</sup> بیان این موضوع است که تمام اطفال و نوجوانان (قطعاً همه افراد) به دنبال «موقعیت اجتماعی» هستند و با این حال، نمی‌توانند به طور مساوی برای به دست آوردن موقعیت به رقابت با یکدیگر بپردازند. اگرچه کوهن در پی یافتن علل بزه‌کاری به مسئله موقعیت اجتماعی و امکان رقابت برابر پرداخت، اما با نگاهی دقیق به این نظریه و اختلاف طبقاتی بین افراد محلی با مهاجران بیگانه، می‌توان از این نظریه در علت‌شناسی بزه‌دیدگی بیگانگان بهره جست. نابرابری اجتماعی و طبقه‌بندی‌های مختلف جامعه به فرادست و فرودست، از طرفی باعث به وجود آمدن موقعیت‌های مختلف و نابرابری در زندگی می‌شود و از طرف دیگر، یک قشر خاص و محروم جامعه را به سوی بزه‌کاری و

1. Robert Sampson.
2. Byron Groves.
3. Subculture Theorise.
4. Albert K. Cohen.

بزه‌دیدگی سوق می‌دهد. مهاجران بیگانه به دلیل در اقلیت قرار گرفتن، نداشتن شرایط اقتصادی مطلوب، داشتن فرهنگ متفاوت با کشور میزبان و ...، به طور سنتی در طبقه پایین جامعه قرار می‌گیرند. صرف نظر از چگونگی و چرایی عوامل فوق، مهاجران بیگانه برای دستیابی به موقعیت زندگی بهتر و موقعیت اجتماعی مطلوب‌تر، در یک رقابت همسان با افراد محلی قرار ندارند. لذا علاوه بر امکان بزه‌کار شدن آنان که می‌تواند به بزه‌دیدگی هم منجر شود (یعنی به وجود آمدن یک بزه‌کار - بزه‌دیده)، امکان یک بزه‌دیدگی بالقوه هم وجود دارد که در راه به دست آوردن موقعیت مطلوب در جامعه، محتمل است.

هرچند امروزه با گسترش مهاجرت‌های بین‌المللی، کشورهای مهاجرپذیر با وضع قوانین حمایتی مختلف و اعطای شهروندی به مهاجران بیگانه و خود مهاجران با اعمال روش‌های نوین، در پی کم کردن نابرابری اجتماعی و فاصله طبقاتی و به وجود آوردن امنیت زندگی در سطوح مختلف هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۴۸)، اما از منظر بزه‌دیده‌شناسی اولیه، وجود عوامل ساختاری و فرایندی، مانع سوق دادن مهاجران بیگانه به سوی بزه‌دیدگی می‌شود. برخورداری از حقوق اجتماعی مانند حق کار کردن؛ برابری در فرصت‌ها (در آموزش، بازار کار و ...)؛ استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری یا ناتوانی برای کار؛ استحقاق برخورداری از یک استاندارد معین آموزشی و ...، در کاهش فاصله طبقاتی مهاجران بیگانه با افراد محلی و کم شدن احساس نابرابری اجتماعی تأثیر بسزایی دارد (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۲۷ و ۲۲۸). همچنین اعطای تابعیت<sup>۱</sup>، یکی از مسائل مهم درباره مهاجران بیگانه است که به واسطه آن، بسیاری از نابرابری‌های اجتماعی و شرایط نامطلوب رقابت برای دستیابی به موقعیت‌های خوب اجتماعی را برطرف می‌کند.

نظریه «فرصت متفاوت» از کلوارد و اوهلین<sup>۲</sup> نیز در علت‌شناسی بزه‌دیدگی بیگانگان درخور توجه است. طبق این نظریه، نه تنها دستگاهی از ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف فرهنگی وجود دارد، بلکه راه‌های نامشروع استاندارد نیز موجود است (ساختار فرصتی نامشروع). مهاجران بیگانه معمولاً جزء طبقه پایین جامعه هستند و ویژگی مردم این طبقه در نظریه کلوارد و اوهلین این است که آنان به ساختار فرصت مشروع برای کسب موقعیت اجتماعی و رفع نیازهایشان دسترسی ندارند و یا افراد کمی شانس دستیابی به آن را دارند. در عوض ساختار فرصت نامشروع برای آنان فراهم است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۷۵).

1. Naturalization.

2. Richard Cloward & Lloyd Ohlin.



پیشگیری از این وضع، با ایجاد شرایط زندگی مطلوب برای مهاجران بیگانه؛ امکان بهره‌مندی از حقوق شهروندی و حقوق اجتماعی مساوی با افراد محلی؛ و از بین بردن احساس نابرابری اجتماعی امکان‌پذیر است. همچنین با تقویت سازمان‌ها و گروه‌های مردم‌نهاد (NGO) توسط مهاجران بیگانه؛ عملکرد حمایتی قانونگذار کشور میزبان در مواقع بزه‌دیدگی مهاجران بیگانه؛ ترویج فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز فارغ از هرگونه تبعیض؛ و مانند آن، در این پیشگیری نقش اساسی دارد.

### ۱.۱.۳. بزه‌دیدگی مهاجران بیگانه و نظریه‌های بزه‌دیده‌مدار

سه نظریه مشهور در بزه‌دیده‌شناسی وجود دارند که به بیان و توجیه علل بزه‌دیدگی می‌پردازند. این سه نظریه ماهیتاً بیان‌کننده عواملی هستند که ما از نظریه‌های صرفاً جرم‌شناسی احصاء کردیم. نقش مهاجران بیگانه در تحریک و تشویق مجرمان به عمل مجرمانه؛ تأثیر شیوه زندگی مهاجران بیگانه؛ طبیعت اعمال روزمره مهاجران، با خلأهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مهاجرت قابل تطبیق است.

برخی افراد ممکن است موجبات بزه‌دیدگی خود را فراهم سازند و موجب تحریک و تشویق مجرم در ارتکاب اعمال مجرمانه شوند. در تحریک فعال، بزه‌دیده به طور تحریک‌آمیزی اقدام به تهدید طرف مقابل نموده و با بکار بردن واژه‌ها و اعمال تحریک‌آمیز، شخص را به درگیری می‌کشاند. در تحریک منفعل، بزه‌دیده ناخواسته و به علت وجود برخی ویژگی‌ها و خصائص شخصی، منافع مهاجم را تهدید کرده و نادانسته او را تشویق و تهییج به حمله و تهاجم می‌نماید. عواملی نظیر رقابت‌های شغلی و یا رقابت‌های عشقی، نمونه‌هایی برای تحریک و تشویق منفعل هستند (زکوی، ۱۳۹۰: ۵۰ و ۵۱).

نظریه شتاب‌دهندگی در هر دو وجه فعال و منفعل، بر بسیاری از موارد بزه‌دیدگی مهاجران بیگانه منطبق است. نابرابری اجتماعی؛ فقر؛ فاصله طبقاتی و نداشتن شرایط رقابت یکسان برای کسب موقعیت اجتماعی؛ و اختلاف فرهنگی با جامعه میزبان، می‌تواند در این نوع تحریک نقش داشته باشند. این موضوع در جوامعی که هنوز در تفکرات نژادپرستانه و رنگین‌پوستی به سر می‌برند، نمود بیشتری دارد. مثل وضعیت زنان مسلمانان در برخی کشورهای اروپایی مثل فرانسه، آلمان، دانمارک و ... که با مشکل منع رعایت حجاب مواجه‌اند. لزوم پایبندی آنان به اعتقادات دینی از یک طرف و عدم پذیرش فرهنگ دینی آنان از سوی جامعه میزبان، باعث تحریک فعال و منفعل جرم علیه آنان می‌شود. یکی از مثال‌های قابل ذکر در این رابطه، قتل زن مسلمان (مروه شربینی) به دلیل داشتن حجاب در آلمان در سال ۲۰۰۹ است.

در اینگونه جرایم، عملکرد دستگاه پلیس و سیستم عدالت کیفری جامعه میزبان، می‌تواند در هدایت و یا تشدید رفتارهای بعدی مؤثر باشد. اگر نظام قضائی کشور میزبان هزینه ارتکاب جرم علیه اقلیت‌ها و مهاجران بیگانه را بالا ببرد و در برخورد با مرتکبان جرایم علیه آنان، شدت عمل داشته باشد، افکار عمومی آرام شده و مردم محلی نیز با دید مثبت نسبت به آنها نگاه خواهند کرد. به عنوان نمونه، عملکرد دادگاه آمریکایی در تبریئه جرج زیمرمن (سفیدپوست) قاتل تریوان مارتین (نوجوان سیاه پوست)، موجب خشم بخشی از مردم آمریکا شد.<sup>۱</sup>

طبق نظریه سبک زندگی، خطر قربانی شدن می‌تواند تابعی از سبک زندگی از جمله الگوهای مرتبط با کار، مدرسه، کارهای روزمره، اوقات فراغت و ... است. از خصیصه‌های بارز سبک زندگی، احتمال زیاد در معرض جرم قرار گرفتن، شامل زمان‌های عمومی (مخصوصاً شب)، زمان دور بودن از خانواده و اعضای خانه و نزدیکی با گروه‌های نابهنجار می‌باشد. در کوتاه مدت، این ویژگی‌های سبک زندگی، فرصت تبدیل شدن افراد به قربانیان جرم را شکل می‌دهد (Fisher & Jab, 2010: 979). نظریه سبک زندگی، به دلیل در بر گرفتن شرایط فرهنگی مهاجران بیگانه اهمیت بسزایی دارد. بخصوص نسل اول مهاجران اصطکاک زیادی با فرهنگ جامعه میزبان پیدا می‌کنند و نسل دوم آنها در یک تلاطم فرهنگی بین حفظ ارزش‌های خانوادگی و قومی با سازگار شدن با فرهنگ جامعه جدید قرار می‌گیرند.

همچنین مطابق نظریه اعمال روزمره، جرم ارتکاب یافته و بزه‌دیدگی منتج از آن، در ارتباط با خصوصیات زندگی روزانه در رفتار انسان است. از دیدگاه این نظریه، میزان جرایم خشن می‌تواند بیانگر سه عامل فراهم آوردن انگیزه برای مرتکبان جرم (مانند تعداد زیاد جوانان بیکار، مصرف مواد مخدر)، هدف‌های مناسب (مانند خانه‌های بی حفاظ) و فقدان امنیت مطلوب (مانند پلیس ناکارآمد) باشد (زکوی، ۱۳۹۰: ۵۲). مهاجران بیگانه به دلایل مختلفی می‌توانند هدف‌های ایده آلی برای بزه‌کاران باشند. ناآشنایی با قوانین و فرهنگ کشور میزبان، ناآشنایی با زبان رسمی، نیازهای کاری و مالی و ... از جمله این دلایل هستند.

۱. سایت خبرگزاری تسنیم: «صدها تن از مردم واشنگتن به‌منظور هم‌دردی با نوجوان سیاه‌پوستی که اخیراً به قتل رسیده و همچنین اعتراض به حکم دادگاه مبنی بر آزادی قاتل وی روبه‌روی کاخ سفید تجمع و از سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت آمریکا به‌شدت انتقاد کردند».

<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/98601>

## ۱.۲. بزه‌دیدگی پناهندگان و آوارگان

انسان‌ها در رویارویی با بلاهای طبیعی (مانند قحطی، خشک سالی، سیل، زلزله و ...)، جنگ‌ها، بی‌عدالتی‌ها، شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی نظیر فقر و بیکاری، به آوارگی، پناهندگی و مهاجرت روی می‌آورند. از آنجا که پناهندگی یک مسأله اجتماعی - سیاسی می‌باشد، همواره توجه بسیاری از کشورها و سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای را به خود جلب کرده است. به طوری که با شکل‌گیری مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... ناشی از پناهندگی و همچنین گسترش روزافزون روابط بین جوامع انسانی و لزوم ارتباط عمیق میان دولت‌ها، وضع قوانین داخلی در خصوص پناهندگی تشدید یافته و سازمان ملل متحد از کشورها خواسته است تا اقدامات سریع و به‌روزی را در خصوص این قضیه مهم اتخاذ نمایند (کاووسی، ۱۳۸۱: ۱).

مهاجرانی که با سودای پناهندگی دست به مهاجرت غیرقانونی توسط قاچاق‌چیان می‌زنند، از آغاز مهاجرت بزه‌دیده بالقوه هستند. چرا که در بعضی موارد آنها مال باخته می‌شوند و به وسایل دادخواهی دسترسی نداشته و یا مورد حمایت قانون، قانونگذار و نهادهای مجری قانون قرار نمی‌گیرند.

کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی مانند کنوانسیون ۱۹۵۱م ژنو در مورد وضعیت پناهندگان؛ پروتکل ۱۹۶۷م؛ اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان؛ و ... حداقل حقوقی را برای پناهندگان در نظر گرفته‌اند که کشورهای عضو، موظف به رعایت آن حقوق هستند (کاووسی، ۱۳۸۱: ۵۶-۴۲). یکی از دلایلی که می‌توان برای در نظر گرفتن این حقوق برای پناهجویان ذکر نمود، برقراری مساوات و برابری بین آنان با مردم محلی است. بدیهی است که به منصفه ظهور رسیدن این حقوق، در پرتو تأمین امنیت در جامعه و برای مردم می‌باشد. لذا اگر کشورهای پناهنده‌پذیر امنیت را در سطوح مختلف (از قانونگذاری تا اجرا و تاسیس نهادهای مرتبط) برای پناهندگان مانند اتباع داخلی خود فراهم آورند و شرایط رقابت یکسان برای بدست آوردن موقعیت مطلوب اجتماعی و زندگی را برای پناهجویان فراهم سازند، می‌توان از آسیب‌های پناهندگی که بزه‌دیده شدن یکی از آنهاست، جلوگیری کرد و زمینه‌های بزه‌دیده شدن پناهندگان را کاهش داد.

از آنجا که بخش وسیعی از شرایط زندگی پناهندگان و آوارگان در کشور میزبان، با شرایط زندگی مهاجران بیگانه یکی است، نظریه‌هایی که در تحلیل بزه‌دیدگی مهاجران بیگانه ذکر کردیم، در بزه‌دیدگی پناهندگان و آوارگان نیز مطرح است و از تکرار آنها خودداری می‌نماییم.

### ۱.۳. بزه‌دیدگی مأموران سیاسی و کنسولی بیگانه و دیپلمات‌ها

افزایش ارتباطات بین کشورها، موضوعات مختلفی را از جمله چگونگی حمایت قضائی و قانونگذاری در کشور میزبان، از اتباع و بویژه مأموران سیاسی و کنسولی و دیپلمات‌ها مطرح کرده است. دیپلمات‌ها که در کشور دیگر حضور می‌یابند از مصونیت دیپلماتیک شامل مصونیت از تعقیب و محاکمه و اجرای حکم جزایی و مدنی برخوردار هستند (پورنوری، ۱۳۸۴: ۲۸ و ۲۹).

جامعه بین‌المللی در نیمه دوم قرن بیستم، تصمیم به تدوین قواعد و مقررات حقوق کنسولی گرفت که حاصل آن تهیه پیش‌نویس توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل و تصویب آن از سوی کنفرانس بین‌المللی ۱۹۶۳ وین می‌باشد (بیگ‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۴۹). امروزه در خصوص حمایت از اتباعی که تحت عنوان مأموران کنسولی و کارمندان سفارتخانه و یا مأموران سیاسی و دیپلمات‌ها شناخته می‌شوند، دولت‌ها از کنوانسیون وین بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر آن برخی کشورها با تقنین و اعمال اصل صلاحیت انفعالی، این حمایت را دوچندان کرده‌اند. لذا اگر مأموران رسمی و کنسولی دولتی در کشور بیگانه بزه‌دیده واقع شوند، از این حمایت دوگانه برخوردار هستند. همچنین «اصل مصونیت از تعرض»<sup>۱</sup> در کنار «اصل مصونیت قضائی» در این کنوانسیون مطرح شده است.

یکی از تفاوت‌های موجود بین مأموران رسمی و کنسولی با دیپلمات‌ها، در نوع اقامت و مدت زمان حضور آنها در کشور بیگانه است. دیپلمات‌ها فقط برای مأموریت‌های محوله به کشور دیگر سفر می‌کنند و اقامت موقتی در آن کشور دارند. ولی مأموران رسمی و کنسولی در کشور دیگر مدت زمانی طولانی اقامت دارند که می‌توان گفت نوعی اقامت موقت طولانی مدت است. با توجه به مدت زمان اقامت آنها در کشور میزبان، شیوه زندگی و موقعیت‌هایی که در آنها قرار می‌گیرند و نهایتاً نوع بزه‌دیدگی آنان از هم متمایز است. لذا نوع بزه‌دیدگی مأموران رسمی و کنسولی، به دلیل موقعیت شغلی و شیوه زندگی آنان قابل توجه است. زیرا علاوه بر جرایم علیه اشخاص و علیه اموال که هر کسی را می‌تواند بزه‌دیده کند، جرایمی مانند اشغال سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، گروگان‌گیری مأموران رسمی، ترور، اهانت‌های سازماندهی شده و گروهی و ... جرایمی هستند که مأموران رسمی و کنسولی و دیپلمات‌ها را تهدید می‌کند. نظریه سبک زندگی، در بزه‌دیدگی مأموران رسمی و کنسولی قابل تأمل است.

1. Inviolabilite.

#### ۱.۴. بزه‌دیدگی اشخاص بدون تابعیت (Apatride)

اشخاص آپاترید یا بدون تابعیت، اشخاصی هستند که تابع هیچ دولتی نبوده و قانون ملی ندارند تا بر آنها حکومت کند (الماسی، ۱۳۹۲: ۲۴۹). رابطه بین تبعه و دولت سیاسی است (نه قراردادی) و تنها عامل و اعطا کننده تابعیت، دولت است و هیچ دولتی مکلف نیست که شخصی را به تابعیت خود بپذیرد.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد<sup>۱</sup>، ده علت برای اینکه چرا اشخاص بدون تابعیت می‌شوند برشمرده است: تعارض قوانین؛ استقلال سرزمین؛ قوانین مربوط به ازدواج؛ عملکردهای اداری؛ تبعیض؛ قوانین مربوط به ثبت تولد؛ اصل (سیستم) خون؛ سلب تابعیت؛ ترک تابعیت؛ و از دست دادن قهری تابعیت با اعمال قانون (کاکاوند، ۱۳۸۷: ۱۸۶۹).

مهمترین مسئله در خصوص اشخاص بدون تابعیت، به رسمیت شناختن آنها و اعطای تابعیت کشوری معین به آنهاست. زیرا علاوه بر تحت حمایت قرار گرفتن از سوی قوانین کشور متبوع، وقتی شخص تعلق خاطر به سرزمین و دولت خاصی را پیدا می‌کند، در نحوه تعاملش با جامعه نیز تأثیرگذار بوده و نسبت به قوانین، فرهنگ و هنجارها پایبندی بیشتری دارد. همچنین افراد بدون تابعیت، از حقوق شهروندی، بهره‌مندی از خدمات اجتماعی و درمانی مثل بیمه، بهره‌مندی از خدمات آموزشی و تحصیل، دسترسی به مشاغلی که نیازمند داشتن تابعیت هستند و ... بی‌بهره هستند.

#### ۲. مطالعه جرم‌شناختی و بزه‌دیدگی‌شناختی بزه‌دیدگی بیگانگان غیرمقیم

بیگانگان غیر مقیم، اشخاص حقیقی بیگانه‌ای (تبعه کشوری غیر از کشور میزبان و یا شخص بی‌تابعیت) هستند که کشور پذیرنده را به عنوان اقامتگاه غیر دائمی خود انتخاب کرده و مرکز امور مهم‌شان کشور میزبان نیست. این اشخاص با اهداف متفاوتی در کشور دیگر حضور یافته و در همان دوره زمانی اقامت، ممکن است بزه‌دیدگی شوند. بزه‌دیدگی اشخاص غیرمقیم با توجه به عنوان‌شان (گردشگر، دانشجو، بازرگان و ...) با بزه‌دیدگی اشخاص مقیم و شرایط پیش از بزه‌دیدگی آنان متفاوت است.

1. United Nations High Commissioner for Refugees.

## ۲.۱. بزه‌دیدگی گردشگران بیگانه

با شروع موج جهانی شدن، از سال ۱۹۵۰ میلادی صنعت گردشگری نیز دچار تحولات عظیمی شد که برخی از آن به انقلاب گردشگری تعبیر نموده‌اند (رستمی‌منجری و طالب‌زادگان، ۱۳۹۰: ۴). امروزه گردشگری در نظام اقتصاد بین‌الملل، مهمترین کالای تجاری است و نقش اساسی در بهبود استانداردهای زندگی افراد، به ویژه در کشورهای در حال توسعه دارد (رحیم‌پور، ۱۳۸۹: ۱ و ۲).

بدون تردید مهمترین عامل در توسعه پایدار گردشگری، امنیت است. امنیت مفهومی کلی است که شامل وضعیت سلامت، آرامش و رفاه فرد و ثبات جامعه می‌شود و در حقیقت محفوظ ماندن از آسیب توسط دیگران است. امنیت اجتماعی - قضایی است که شامل دو بعد عینی و ذهنی می‌شود. در بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنای شرایط و موقعیت ایمن و حفظ و گسترش آن برای افراد در مقابل عوامل بیرونی است و در بعد ذهنی، امنیت اجتماعی به معنای احساس امنیت و آرامش است (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). جرایم علیه توریست بین‌المللی یک مشکل با سابقه و رو به افزایش است که باعث افت اقتصادی، مانع سرمایه‌گذاری و تهدید کننده کیفیت زندگی در کشورهای سرتاسر دنیاست. توریست‌هایی که بزه‌دیده می‌شوند، اغلب با مسائل یکسانی از قبیل انزوای طلبی<sup>۱</sup> و شوک فرهنگی<sup>۲</sup>، نبود حمایت خانوادگی در کشور گردشگرپذیر، اضطراب مسافرت و موانع زبانی مواجه هستند. به علاوه، اکثر توریست‌ها با قوانین کشوری که به آن مسافرت کرده‌اند یا نظام عدالت جنایی، خدمات اجتماعی، نظام‌های مراقبت از سلامتی و بهداشت روانی که باید بعد از بزه‌دیدگی با آنان تعامل نمایند، آشنایی کافی ندارند (رایجیان‌اصلی و یوسفی‌مراغه، ۱۳۸۹: ۱۴۵). محققینی که به مطالعه رابطه بزه‌کاری و گردشگری پرداخته و جرایم علیه آنان را از منظر علت‌شناختی جنایی و بزه‌دیده‌شناختی و نظریه‌های غالب جرم‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند، معتقدند نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که در همه اماکن مورد بررسی، گردشگران نسبت به مردم محلی، قربانی میزان بالاتری از جرایم مالی می‌شوند و آمار برخی جرایم خشونت آمیز علیه آنان نیز بالاست (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱: ۸).

در بزه‌دیدگی گردشگران می‌توان به عوامل موجود در خود گردشگر بیگانه و عوامل موجود در جامعه میزبان اشاره کرد. گردشگران دارای خصوصیات آشکاری هستند که آسیب‌پذیری آنها را توجیه و تفسیر می‌کند. به عنوان مثال، آنان چون معمولاً به عنوان افراد ثروتمند شناخته می‌شوند و در مسافرت‌ها مقدار زیادی پول نقد، جواهرات و وسائل گران

1. Isolation.  
2. Cultural shock.

بهایی مانند دوربین و ... را به همراه دارند، آماجی جذاب و وسوسه انگیز برای مجرمان می‌باشند. غفلت گردشگر، سهل انگاری و بی احتیاطی وی، عدم مراقبت، ناشناس بودن، اقامت کوتاه مدت، عدم داشتن حامی، حضور در محیط‌های مستعد ارتکاب جرم و ... اهمیت احوال و احوال محرک را آشکار ساخته و ارتباط تنگاتنگ برخی از جرایم را با اوضاع و احوال پیش جنایی نشان می‌دهد. یک نمونه از جرایمی که به واسطه عوامل فوق باعث بزه‌دیدگی گردشگران بیگانه شد، بزه‌دیدگی گردشگران آلمانی در استان البرز است که اخیراً به وقوع پیوست.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از زمینه‌های ارتکاب جرم، برخورد گردشگران با افراد محلی است. این برخوردها می‌تواند ناشی از عواملی چون عدم رعایت معیارهای مورد قبول افراد محلی و ضوابط متضاد از لحاظ پوشش، سخن گفتن، رفتارهای خاص انجام دادن و ... باشد که گاهی با مخالفت‌های شدید مردم محلی با صنعت گردشگری روبرو می‌شود. لذا دید منفی محلی‌ها و ابراز تنفر آنها نسبت به گردشگران می‌تواند منجر به اعمال خشونت گردد. نداشتن وقت و حوصله کافی برای شکایت و پیگیری آن، عدم اعتماد به دستگاه قضائی و پلیس، هزینه‌بر بودن اقامه دعوی و تعقیب آن، عدم آشنایی با قوانین محلی، طولانی بودن روند رسیدگی که افزایش هزینه‌های اقامت را در پی دارد و ... عواملی هستند که مجرمان نسبت به آنها آگاهی داشته و احتمال شکایت و محاکمه خود را کم می‌بینند (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱: ۱۵۳-۱۴۵).

عوامل موجود در جامعه میزبان نیز تأثیر بسزایی در بزه‌دیدگی گردشگران دارد. این عوامل شامل سابقه درگیری نظامی یا سیاسی بین جامعه متبوع گردشگر و جامعه میزبان، تعارض فرهنگی<sup>۲</sup> و عدم تقبیح اجتماعی ارتکاب جرم علیه گردشگران می‌باشد. سابقه درگیری سیاسی و نظامی بین دو جامعه فوق، معمولاً با حساسیت‌های خاصی از سوی اعضاء هر دو جامعه همراه است که در بزرگه برخورد اعضاء دو جامعه با هم، عکس العمل‌های آنان بروز می‌کند. مثلاً در استرالیا که افراد مسن سابقه تهدیدهای ژاپن را در

۱. «نخست جاذبه‌های موجود در گردشگران آلمانی مانند پول، دوربین، کارت اعتباری، مدارک و اشیاء قیمتی موجب جلب توجه بزه‌کاران به ایشان شده و سپس بی‌احتیاطی آنها در عدم محافظت صحیح از اموال و اشیاء گران‌بهایشان، باعث سرقت موارد مذکور از خودروی آنها شد. علاوه بر بزه‌دیدگی اولیه آنان، عدم رفتار صحیح و پیگیری‌های لازم از سوی پلیس استان البرز، باعث بزه‌دیدگی ثانویه ایشان شده و نارضایتی گردشگران آلمانی را در پی داشته است.»

رک به: سایت خبری تابناک، تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۹۲، کد خبر ۳۶۱۹۵۲، آدرس اینترنتی سایت تابناک: <http://www.tabnak.ir>

2. Conflict of Culture.

جنگ جهانی دوم به خاطر دارند، نسبت به گردشگری ژاپنی‌ها در استرالیا واکنش‌های منفی نشان داده و به این موضوع اعتراض دارند. یا در ایران، حمله به اتوبوس حامل گردشگران آمریکایی در اصفهان را می‌توان مثال زد.

از نظر سلین جنایات ناشی از برخوردی است که در یک جامعه بین هنجارهای رفتاری مختلف روی می‌دهد. این برخورد در جوامع پیاپی مهاجرپذیر روی می‌دهد. دو فرهنگ و نظام ارزشی و هنجاری متفاوت در یک مکان و زمان در مقابل یکدیگر قرار گرفته و فرهنگ غالب جامعه میزبان بر فرهنگ گردشگران چیره شده و با برانگیخته شدن احساسات فرهنگی، مذهبی، ملی و ... مردم محلی به برخوردهای خشن و نهایتاً وقوع جرم منتهی می‌شود.

در برخی جوامع سنتی که هنجارهای مذهبی، اخلاقی، قومی و قبیله‌ای و ... به شدت رعایت می‌شود، تعارض‌های فرهنگی ناشی از تقابل دو فرهنگ میزبان و میهمان، نه تنها می‌تواند در قبح‌زدایی ارتکاب جرم علیه گردشگران تأثیرگذار باشد، بلکه می‌تواند ارتکاب جرم را نیز توجیه کند (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱: ۱۵۸-۱۵۳). مثلاً در عراق که به عنوان مقصد گردشگران مذهبی و غالباً ایرانی‌ها شناخته می‌شوند، گروه‌های سلفی و تندرو، کشتن این گردشگران مذهبی را با گره‌زدن به عقاید مذهبی توجیه می‌کنند و در موارد بسیاری با اعمال تروریستی باعث کشته شدن افراد بی‌گناه می‌شوند.

نظریه‌های جرم‌شناسانه‌ای که آمارهای بالای بزه‌دیدگی گردشگران را توجیه می‌کند، عمدتاً نظریه‌های «اقتصادی جرم»، «فعالیت‌های روزمره» و «نقاط جرم خیز» می‌باشد که بر پرسود بودن ارتکاب جرم علیه گردشگران بیگانه و برجسته سازی مفهوم فرصت و موقعیت دلالت دارند (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱: ۸).

به عقیده پیروان نظریه انتخاب عقلانی که ناشی از عملکرد مجرم و حاصل محاسبه سود و زیان جرم است، در ارتکاب هر جرمی دو عامل «جذابیت» و «در دسترس بودن» دخالت مستقیم دارد (صلاحی، ۱۳۸۹: ۱۲۶). با توجه به خصوصیات گردشگران از جمله همراه داشتن اموال بسیار با ارزش نزد خود، آسیب‌پذیری بسیار زیاد به دلیل ناآشنایی به زبان و محل، نداشتن فرصت و حوصله کافی برای اعلام جرائم به پلیس و تعقیب آن، عدم اتخاذ تدابیر احتیاطی لازم، حضور در محل‌های ناامن و سایر خصوصیات که وجود دارد، آنان آماج بسیار مناسب و وسوسه‌انگیزی برای مجرمان بوده و فرصت‌های بسیار مطلوبی را برای ارتکاب جرایم به وجود می‌آورند. لذا هزینه ارتکاب جرایم علیه آنان بسیار پایین بوده و مجرمان محلی با آگاهی کامل به خصوصیات فوق، آنها را قربانی اعمال غیرقانونی خویش می‌سازند (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱: ۱۶۸ و ۱۶۹).



نظریهٔ فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی نیز با تأکید بر همگرایی زمانی و مکانی، سه رکن را برای وقوع یک عمل مجرمانه لازم می‌داند؛ وجود یک بزه‌کار بالقوه یا با انگیزه، وجود یک قربانی یا آماج مناسب و جذاب، و فقدان حفاظت لازم (نبود مراقبین توانمند و لایق) این سه رکن را تشکیل می‌دهد.

مطالعات نشان می‌دهد که مجرمین بالقوه آماجی را مورد تهاجم قرار می‌دهند که فواید زیادی از آن نصیب‌شان شود. گردشگران حداقل دارای دو ویژگی و مولفهٔ ذاتی هستند که آنها را به آماجی مناسب و جذاب تبدیل می‌کند:

الف. اشیاء با ارزش آنها، جذابیت‌شان را به عنوان آماج جرم در میان مجرمان بالقوه و با انگیزه افزایش می‌دهد.

ب. گردشگران به دلیل تفاوت‌های آشکار در پوشش، گویش و نوع مکان‌هایی که مورد بازدید قرار می‌دهند، در دید مجرمان بالقوه می‌باشند.

نتیجه اینکه فعالیت‌های روزمره گردشگران در محیط کشور میزبان، بازدید از اماکن متعدد و تفریح می‌باشد. آنان بدین منظور با فرودگاه، گمرک، راه آهن، مترو، سرویس‌های رفت و برگشت بین ترمینال‌ها، مراکز شهر، ساختمان‌ها، فروشگاه‌ها و مراکز خرید و ... سروکار دارند که علاوه بر ازدحام بالای گردشگران، محل تجمع مجرمین مترصد ارتکاب جرم نیز می‌باشد (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

نظریهٔ نقاط جرم خیز (محیط‌های مجرمانه) معطوف به بُعد امنیت مکانی است. اماکنی که به مرکز خشونت بودن مشهوراند و در همه جای دنیا وجود دارند. محل‌هایی مانند محله‌های گنگسترها، متکدیان، ولگردان، اوباشان، زورگیران، راهزنان، قوادان، روسپی‌ها و ... در اینگونه محل‌ها، مجرمان از طریق ارتکاب جرم امرار معاش نموده و نوعی سبک زندگی مجرمانه را پذیرفته و ارتکاب جرم برای آنان یک فعالیت عادی و مستمر است. گردشگرانی که در این محل‌ها رفت و آمد می‌کنند، در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند.

نقطهٔ اشتراک این سه نظریه، برجسته‌سازی مفهوم موقعیت است. کانون توجه همان موقعیتی است که جرم در آن ارتکاب می‌یابد. لیکن هر یک از این نظریه‌ها، از زاویه‌ای متفاوت به موقعیت می‌نگرند. بر طبق این نظریه‌ها، احتمال بزه‌دیدگی یک گردشگر، بستگی به میزان نمایانی و حضور در موقعیت‌های خطرناک دارد.

لذا استراتژی‌های پیشگیرانه، باید متضمن از بین بردن فرصت ارتکاب جرم یا کاستن از موقعیت‌های ایجاد شده برای مجرمین بالقوه باشد (موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

## ۲.۲. بزه‌دیدگی سایر بیگانگانی که به طور موقت در کشور دیگر حضور دارند

بخش وسیعی از بیگانگان غیرمقیم را گردشگران تشکیل داده‌اند. بخشی از بیگانگان غیرمقیم نیز برای تحصیل، فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، فعالیت‌های علمی- ورزشی و یا هنری و ... در کشور دیگر حضور کوتاه مدت دارند.

عواملی مانند تعارض‌های فرهنگی، تفاوت در سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره، مشکلات ناشی از عدم آشنایی با جامعه میزبان و زبان آن جامعه و ... که در بزه‌دیدگی گردشگران بیگانه و مهاجران مقیم ذکر کردیم، در خصوص دانشجویان بیگانه نیز صدق می‌کند.

جرایمی که دانشجویان بیگانه را در کشور میزبان تهدید می‌کند عبارت از همان جرایمی است که سایر اشخاص را تهدید می‌کند، مثل جرایم خشن (قتل، ضرب و جرح، آدم ربایی و ...) و جرایم مالی (سرقت، کلاهبرداری و ...). جرایم علیه دانشجویان به دلیل اینکه این قشر از جامعه جزء اقشار فرهیخته محسوب می‌شوند، می‌تواند با بازنمایی بسیار منفی در بیرون کشور مواجه شود و جلوه‌ای خشن و ناامن از کشور میزبان را تصویر کند. لذا باید هزینه ارتکاب جرم علیه آنان به نحوی بالا رود که مجرمان ارتکاب جرم را به صرفه نبینند.

جرایمی که بازرگانان و تجار بیگانه را تهدید می‌کند بیشتر جرایم با انگیزه‌های مالی هستند. جرایمی که به طور معمول در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری وجود دارد مانند کلاهبرداری، سرقت و ... در خصوص این افراد نیز صادق است. ضمن اینکه سایر جرایم خشن و علیه تمامیت جسمانی و معنوی علیه آنان نیز، بیشتر با انگیزه‌های اخاذی و مالی صورت می‌گیرد. لذا نظریه اقتصادی جرم، در بزه‌دیدگی این افراد حضور پررنگی دارد.

عملکرد نظام قانونگذاری، قضائی و اجرایی کشور باید برای تأمین امنیت فضای اقتصاد و تجارت به گونه‌ای باشد که حتی‌الامکان زمینه‌های بروز جرایم علیه سرمایه‌گذاران بیگانه را کم کرده و مانع دفع آنان به واسطه نبود امنیت شود. علاوه بر آن، باید سازکارهای دادخواهی و تعقیب شکایت و هزینه‌های دادرسی نیز برای این دست از بزه‌دیدگان به گونه‌ای فراهم شود که تاجر بزه‌دیده، حمایت قانونگذار و دستگاه‌های مربوط را به طور ملموس ببیند.

سایر گروه‌های بیگانه‌ای هم که برای انجام فعالیت‌های مختلف ورزشی، علمی، فرهنگی، موسیقی و ... در کشور دیگر حضور می‌یابند، از ویژگی اقامت کوتاه مدت به معنای اخص کلمه برخوردارند. جرایمی که علیه هر یک از این گروه‌ها قابل ارتکاب است، بسته به نوع مکان‌هایی که آنها در آن مکان‌ها حضور می‌یابند متفاوت است. از آنجا که غالباً این گروه‌ها به عنوان نمادی از فرهنگ، ورزش، موسیقی، هنر و ... کشور متبوع‌شان در کشور میزبان

حضور می‌یابند، معمولاً از ویژگی همبستگی درون گروهی و حمایتی برخوردارند. لذا در مواقع بروز تعارض‌های فرهنگی، با همبستگی داخلی با جامعه میزبان روبرو می‌شوند. شناخت اولیه جامعه مقصد و آگاه‌سازی اعضای گروه‌ها به هنجارها و ارزش‌های آن جامعه و عکس‌العمل‌های احتمالی به حضور و فعالیت این گروه‌ها در جامعه میزبان، می‌تواند نقش مؤثری در از بین بردن عوامل پیش‌جنایی داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

کرامت‌انسانی به عنوان یک ویژگی فطری در انسان‌ها، حقوقی را برای انسان ترسیم می‌کند که نقض آن حقوق، مساوی است با نقض کرامت‌انسانی او. یکی از این حقوق، حق بزه‌دیده نشدن است. به‌حتم هر جرمی که بزه‌کار در جامعه مرتکب می‌شود، علاوه بر خدشه‌ای که بر چهره انسانی خود می‌کشد، خدشه‌ای را بر کرامت‌انسانی بزه‌دیده وارد می‌کند. احترام به کرامت‌انسانی ایجاب می‌کند که در رعایت آن هیچ مرزی را قائل نباشیم و با همه انسان‌ها به صورت برابر رفتار کنیم. حتی وجود تمایزهای گوناگون، از اختلاف در طرز تفکر تا ملیت، رنگ پوست، تنوع زبانی و ... نباید به نقض کرامت انسانی اشخاص منجر شود.

برخی از وضعیت‌های شخصی و اجتماعی افراد مانند بیگانگان، آنها را در موقعیتی نابرابر نسبت به سایر افراد جامعه قرار می‌دهد. این نابرابری، در سطوح مختلفی مانند اقتصاد، فرهنگ، حمایت‌های قانونی، حقوق شهروندی و برخورداری از حقوق اجتماعی و ... نمود می‌یابد. نظریه‌های جرم‌شناسی که در پژوهش حاضر بررسی شد، مقوم این نظر است که اصلی‌ترین دلیل ارتکاب جرم علیه بیگانگان، نابرابری‌های فوق است. نظریه‌های بزه‌دیده‌شناسی مانند سبک زندگی، اعمال روزمره، تحریک بزه‌کار و ... در کنار نظریه‌های جرم‌شناسی و همگام با دستاوردهای آن نظریه‌ها، در شناخت عوامل بزه‌دیدگی بیگانگان مقیم و غیرمقیم و پیشگیری از جرایم علیه ایشان، مطرح است.

اصلی‌ترین راهکار در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی بیگانگان مقیم، ترویج فرهنگ زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با احترام با بیگانگان است که این فرهنگ‌سازی، باید به وسیله نهادهای حکومتی و رسانه‌های عمومی اعم از تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات و ... ایجاد شود. نقش جامعه علمی و نخبگان جامعه در هدایت تصمیم‌های سیاست‌گذاران و متولیان اجرایی جامعه، غیرقابل انکار است. همچنین نباید از نقش جامعه مدنی در پیشگیری از بزه‌دیدگی بیگانگان غافل شد؛ اجازه تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد توسط بیگانگان و فعالیت آنها در شناساندن اشتراکات فرهنگی و دوری جستن از اختلافات گوناگون، در این پیشگیری نقش بسزایی دارد. فعالان مدنی کشور میزبان نیز، در دو سطح کلان و خرد

می‌توانند در این امر، بسیار تأثیرگذار باشند. در سطح کلان، فعالیت در راستای شناساندن و حمایت از حقوق عموم بیگانگان؛ و در سطح خرد، تمرکز بر حقوق و حمایت از گروه‌های مختلف بیگانه مانند زنان و دختران بیگانه، کودکان بیگانه و دیگر اقشار آسیب‌پذیر آنها، در پیشگیری از بزه‌دیدگی بیگانگان مؤثر است.

در خصوص بزه‌دیدگان غیرمقیم، علاوه بر موارد فوق و گذشته از نقش مسئولان مربوط به هر یک از مصادیق بیگانه غیرمقیم، باید به نقش انجمن‌های صنفی اشاره کرد. به عنوان مثال انجمن صنفی دانشجویان بیگانه، انجمن صنفی گردشگران بین‌المللی و مانند آن که در شناساندن فرهنگ، قانون و وضعیت جامعه میزبان به بیگانگان غیرمقیم می‌توانند تأثیرگذار باشند.

## منابع و مأخذ

### الف: فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، **مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم**، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۲. ارشاد، فرهنگ و مینا، صدف (۱۳۸۹)، «مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن»، **نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی**، تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۴/۵۹، صص ۶۲-۵۹.
۳. الماسی، نجاد علی (۱۳۹۲)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، چاپ ۱۲، تهران: انتشارات میزان.
۴. برادران، اسماعیل (۱۳۸۰)، «رفتار با بیگانگان در حقوق ایران در مقایسه با معیارهای بین‌المللی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، مجتمع آموزش عالی قم.
۵. بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۵)، «حمایت کنسولی از اتباع»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیستم، شماره ۴، صص ۶۷۲-۶۴۹.
۶. پورنوری، منصور (۱۳۸۴)، «صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های عمومی و مصونیت قضایی دیپلماتیک و کنسولی»، **ماهنامه قضاوت**، شماره ۳۰، صص ۲۹-۲۸.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، **بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
۹. رایجیان اصلی، مهرداد و یوسفی مراغه، مهدی (۱۳۸۹)، «خدمات رسانی به بزه‌دیدگان بین‌المللی»، **فصلنامه حقوق** (مجله پژوهش حقوق و سیاست) شماره ۳۱، صص ۱۶۶-۱۴۳.
۱۰. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، **کرامت انسانی در حقوق کیفری**، تهران: انتشارات میزان.

۱۱. رحیم پور، علی (۱۳۸۹)، «فلسفه و علل تمایل مردم به گردشگری در جهان کنونی»، **مجموعه مقالات**، تهران: انتشارات موسسه حکمت و فلسفه.
۱۲. رستمی‌منجری، امین و طالب‌زادگان، مهنوش (۱۳۹۰)، «گردشگری و جهانی شدن»، **مجموعه مقالات اولین همایش ملی گردشگری**، اقتصاد و بازاریابی، دانشگاه آزاد اسلامی زابل.
۱۳. زکوی، مهدی (۱۳۹۰)، **بزه‌دیدگان خاص در پرتو بزه‌دیدة‌شناسی حمایتی**، تهران: انتشارات مجد.
۱۴. سلجوقی، محمود (۱۳۹۰)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان.
۱۵. صلاحی، جاوید (۱۳۸۹)، **درآمدی بر جرم‌شناسی و بزه‌دیدة‌شناسی**، تهران: انتشارات میزان.
۱۶. قاسمی‌شوب، احمدعلی (۱۳۸۳)، «نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین‌الملل با تأکیدی بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، **مجله حقوقی**، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ج.ا.ایران، شماره ۳۱، صص ۱۶۹-۱۱۹.
۱۷. کاستلز، استفان و آلیستر دیویدسون (۱۳۸۲)، **مهاجرت و شهروندی**، ترجمه فرامرز تقی‌لو، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. کاکاوند، محمود (۱۳۸۷/۰۵/۲۳)، «حقوق اشخاص بی‌تابعیت»، **روزنامه مردم سالاری**، شماره ۱۸۶۹، [www.mardomsalari.com](http://www.mardomsalari.com).
۱۹. کاوسی، داریوش (۱۳۸۱)، «حمایت بین‌المللی از پناهندگان و وضعیت حقوقی آنان در ایران»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۰. کوئن، بروس (۱۳۸۴)، **درآمدی به جامعه‌شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات توتیا.
۲۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ اول، ویراست چهارم، تهران: نشر نی.
۲۲. موسی‌زاده عباسی، حسین (۱۳۸۱)، «گردشگری و بزه‌کاری»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، **جامعه‌شناسی جنایی (تقریرات)**، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال دوم ۸۴ - ۱۳۸۳. بازبینی توسط مجید صادق نژاد نائینی.
۲۴. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، **جهانی‌شدن جرم (تقریرات)**، تهیه و تنظیم: سمانه طاهری و عاطفه شیخ‌الاسلامی، قم: دانشگاه مفید.

۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بیکی، حمید هاشم (۱۳۹۳)، **دانشنامه جرم شناسی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۶. نصیری، محمد (۱۳۹۱)، **حقوق بین الملل خصوصی**، چاپ ۲۶، تهران: انتشارات آگه.
۲۷. نوربها، رضا (۱۳۸۸)، **زمینه حقوق جزای عمومی**، چاپ ۲۶، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۸. نوری، حسین (۱۳۷۵)، «**وضعیت حقوق عمومی بیگانگان در حقوق موضوعه ایران**»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۹. ویلیامز، فرانک پی و ماری لین دی مک شین، (۱۳۹۱)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
۳۰. هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۰)، «**احساس امنیت اجتماعی از منظر توسعه گردشگری**»، **مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی**، سال ۲۲، شماره ۴۲، صص ۱۴۲-۱۲۱.

#### ب. خارجی

1. B. Fisher & S. Lab, (2010). **Encyclopedia of victimology and crime prevention**, SAGE Publications, Inc doi, Wilcox.

#### ج. پایگاه‌های اینترنتی

1. <http://www.tasnimnews.com>.
2. <http://www.tabnak.ir>.